

بخش سی و سوم شرایط سیاسی ایران

ایران علایق سیاسی خاصی در اروپا ندارد و خود هدف دو قدرت بزرگ همسایه، روسیه در شمال و انگلستان در جنوب می‌باشد. این دو قدرت سعی و کوشش فراوانی دارند تا از طریق دوستی و صلح، جای پای خود را در ایران محکم‌تر کرده، به اهداف سیاسی خود در منطقه جامه عمل ببوشانند. اگر چه قسمت بسیار کوچکی از فعالیت‌های این دو ابرقدرت در ظاهر پیداست اما قسمت اعظم سعی و کوشش آنها، در سکوت و خفا انجام می‌گیرد و این دو در نمان با هم مسابقه گذاشته‌اند. هدف دولت روسیه رساندن مرزهای خود به اقیانوس هند و دسترسی به بنادر دریای آزاد در آب‌های گرم این قسمت از آسیاست. دولت انگلستان تلاش می‌کند از انجام این مهم جلوگیری به عمل آورد تا خطری مستعمره‌های این کشور به ویژه هندوستان را تهدید نکند.

نفوذ آرام اما با اقتدار روسیه در کشورهای آسیای مرکزی با احداث راه‌آهن تا سمرقند و گسترش مرزهای آن تا هرات که به کلید فتح هند مشهور می‌باشد، باعث نگرانی انگلستان شده و آنها را مجبور کرده مانند بازی شطرنج، دست به اعمال پیشگیرانه‌ای بزنند تا تعادل سیاسی حفظ شود. از اینرو مسئله کارون که نکته بسیار بااهمیتی برای دولت انگلستان بود در زمان اقامت ما در تهران به شرح زیر عملی گردید.

پس از فرار ایوب‌خان، مشیرالدوله از مقام وزارت‌خارجہ عزل شد. گذشته از شغل جدیدی که برای دلداری وی به او داده شد او مأموریت یافت یک جاده تجاری بین کارون و داخل ایران احداث کند. کارون رودخانه‌ای است که در جنوب غرب کشور به شط العرب^۱ می‌ریزد و برای حرکت کشتی‌های کوچک بین محمره^۲ و اهواز که از آنجا آبشارهائی آغاز می‌شود، مناسب است. از آنجائی‌که او احتیاج شدیدی به پول داشت سعی کرد قرارداد خود را به روس‌ها، که او علاقه شدیدی به آنها داشت، واگذار نماید اما چون روس‌ها به خاطر شرایط جغرافیائی و سیاسی، منافی در این کار ندیدند، علاقه‌ای به آن نشان ندادند و او مجبور شد قرارداد را به مبلغ ۱۳ هزار پوند استرلینگ به انگلیسی‌ها بفروشد.

اتحادیه‌ای تحت نظر بانک شاهی در تهران تشکیل شد تا به کار شرکت رسیدگی کرده و حقوق کارمندان و کارگران پروژه را پرداخت نماید. این یک طرح سنگین و گرانبه‌ایست

۱. اروند رود ۲. خرمشهر کنونی

بود. برای پی بردن به ارزش آن باید گفت که یک کارگر ساده ایرانی، بطوری که حقوق آنها جدیداً علنی شده، برای ۲۰ روز کار ۲۰ تومان مداخل و حقوق دریافت می‌کرد. بلافاصله دو مهندس انگلیسی استخدام شد و به زودی کار جاده سلطان‌آباد^۱ به قم به اتمام رسید و کالسکه‌ها در آن به حرکت افتادند. البته این راحت‌ترین قسمت این مسیر بود و ساختن آن آسان بود زیرا بیابان در این قسمت، سخت و مسطح است. اما فاصله اهواز تا سلطان‌آباد بسیار مشکل‌تر بود زیرا جاده از بین دو رشته کوه موازی می‌گذشت و برای عبور از رودها، باید سه پل بزرگ و تعدادی پل کوچکتر ساخته می‌شد. انفجارها، تسطیح‌ها، دیوار و نرده‌کشی‌ها باید انجام می‌گرفت. مطابق قرارداد، تمام راه باید در مدت ۱۸ ماه کامل شده و مسیر تجاری در مدت ۲ سال به بهره برداری می‌رسید.

نتایج احداث این جاده قابل پیش‌بینی نیست. کاملاً بدیهی است که دولت انگلستان با احداث این جاده، تجارت کل جنوب ایران و حتی تا تهران را در اختیار خواهد گرفت. چون اصفهان در این منطقه تجاری واقع شده، قرار است جاده‌ای فرعی تا اصفهان کشیده شود. در مجموع این پروژه باعث خواهد شد انگلیسی‌ها در قدرت از رقیب خود روس‌ها پیشی بگیرند زیرا ابرقدرتی که تجارت و نقدینه‌گی را در اختیار داشته باشد قدرت سیاسی هم در اختیار اوست. اما انگلیسی‌ها تصور می‌کنند دولت روسیه برای عقب نماندن از آنها اجازه احداث جاده‌ای بین استرآباد^۲ و شاهرود را خواهد گرفت زیرا سلسله جبال البرز در این قسمت خیلی مرتفع نبوده و وجود دره‌ای کار ساختمان این جاده را راحت‌تر می‌کند. اخذ عوارض گمرکی برای کالاهایی که از این مسیر عبور می‌کند برای انگلیسی‌ها خطرناک است. احتمال دارد اجناس تجاری از بندر باتوم در ساحل دریای سیاه و از طریق روسیه وارد شمال و شمال غرب ایران شود و تجارت کل شمال ایران تا اصفهان در اختیار روس‌ها قرار گیرد.

هنگامی که وزیرمختار جدید روسیه وارد تهران شد شاه اندکی مضطرب گشت. او نگران بود که دادن امتیاز این جاده به انگلیسی‌ها باعث شکایت و اعتراض روس‌ها شده و سفیر جدید روسیه در شرفیابی خود، درخواست‌هایی را مطرح کند اما از این که آیا نگرانی‌ها به جا بوده کسی اطلاعی ندارد. بیتسوف سفیر جدید روسیه در ماه ژوئیه سال ۱۸۹۰ میلادی وارد ایران شد. از او هم مانند هیئت ما استقبال شاهانه به عمل آمد. مطلبی که شاه را نگران می‌کند، تقاضای دولت روس برای احداث راه‌آهن فراسوی کاسپین است که از راه‌آهن سرتاسری روسیه جدا شده و تا مشهد امتداد خواهد داشت. ادامه این مسیر تا هرات برای اهداف روس‌ها بسیار ارزشمند است. در این صورت کل تجارت خراسان و مشهد به دست روس‌ها خواهد افتاد و به قدرت و نفوذ آنها نه تنها در خراسان بلکه در کل ایران افزوده خواهد شد. سالانه صدها هزار زائر از اقصی نقاط ایران به مشهد سفر می‌کنند. آنها با مسافرت با قطار به یاد تزار افتاده و در مراجعت به روستاها و شهرهای خود، آن را برای سایرین بازگو خواهند نمود. این عمل قدرت روس‌ها را در ضمیر ناخود

۱. اراک کنونی ۲. گرگان کنونی

آگاه مردم ایران چند برابر افزایش خواهد داد زیرا راه‌آهن در مردم مشرق‌زمین تأثیر عظیمی دارد و آن را نشانه قدرت تزار می‌دانند.

شاه از تمامی این مسائل که بیطرفی کشور وی را به خطر می‌اندازد آگاه است. او از ابتدا تا انتهای آن را متوجه شده و حتی می‌داند نهایت کار به کجا ختم خواهد شد. وی مرد اندیشمند و روشن‌بینی است اما کمی واهمه دارد. او از احتیاج کشور به پیشرفت آگاهی داشته و علاقمند است با استفاده از تمامی صنعت‌های روز به ویژه در مورد ارتش، ایران را به یک کشور مدرن تبدیل کند اما همزمان اطلاع دارد که هیچ یک از اطرافیان او به اندازه وی به اینگونه مسائل علاقه نداشته و توجهی نمی‌کنند. تنها کسی که تا حدود زیادی مانند شاه فکر می‌کند صدراعظم امین‌السلطان است و شاه به او اعتماد کامل دارد. اگر چند جوان مانند او در اطراف شاه بودند مسلماً پیشرفت‌های کشور انجام می‌شد. او باید ابتدا از ارتش شروع کند و اشخاصی را به کار گیرد که به آنها اطمینان کامل دارد. با آنها باید مانند واحد قزاق مستقر در پایتخت رفتار کرد و هر کدام از سربازان پس از گرفتن حقوق، ورقه‌ای را امضاء کنند تا فرمانده ارشد واحد مطمئن گردد که افسران زیردست، حقوق سربازان را به جیب خود نزده‌اند. متأسفانه هنوز ارتش ایران به این مرحله از تکامل نرسیده و اکثر افسران ارشد فقط به فکر درآمد خود می‌باشند. سربازان اغلب نیمی از سال را در انتظار دریافت حقوق و مواجب خود به سر می‌برند. بی‌جهت نیست که سربازان ایرانی در اغلب شهرها به کار خرید و فروش مشغولند.

سعی من بر آن است تا خواننده آگاهی یابد که شرایط سیاسی حال حاضر ایران، نتیجه مسابقه صلح‌آمیزی بین روس‌ها و انگلیسی‌هاست. هر اجازه نامه‌ای که به یکی از این دو قدرت داده می‌شود باعث گلاویه و شکایت دیگری گشته و برای حفظ تعادل، قراردادی هم با آن کشور بسته می‌شود. این رسم سالیان سال به همین ترتیب برقرار بوده و احتمالاً تا آینده دوری که ایران دارای شبکه‌ای از راه‌آهن و جاده‌های تجاری بهم پیوسته گردد، ادامه خواهد داشت. اگر روسیه قراردادی برای راه آهن مشهد با شاه ببندد دولت انگلیس هم اجازه نامه احداث جاده کوپته^۱ تا سیستان را در شرق ایران خواهد گرفت. به راحتی می‌توان گفت که ایران امروزی بین دو سنگ آسیاب قرار گرفته و از یک طرف خرس روسیه و از طرف دیگر شیر انگلیس آن را در میان دارند. از آنجائی که روسیه، همسایه تمامی نواحی مرزی شمال ایران می‌باشد، انگلیس هم خود را در جنوب با ایران هم مرز کرده است. حالا دولت انگلستان تمام بنادر خلیج فارس به ویژه بندر عباس، لنگه، بوشهر و جدیداً کارون و روسیه تمام مناطق شمالی، مخصوصاً بندر نظامی آشوراده و راه‌آهن استراتژیک را در اختیار دارد. استقلال ایران از حاشیه‌های کشور تهدید می‌شود و به زودی این تهدید به نواحی مرکزی کشور هم سرایت خواهد کرد.

آن‌گونه که قبلاً اشاره کردم شاه انسان سریع‌الانتقالی بوده و با خطراتی که کشور پهناور او را تهدید می‌کند آشناست. او همزمان آگاهی دارد که استقلال کشور در نتیجه رقابت این

۱. مرکز ایالت بلوچستان پاکستان، نزدیک مرز افغانستان در قندهار

دو ابر قدرت حفظ شده و به اینجهت شدیداً به حفظ وضعیت کنونی علاقمند می‌باشد. او شدیداً احتیاط می‌کند تا مبادا به یکی بیش از دیگری لطف کرده و دیگری را از خود آزوده خاطر نماید. اگر کفه ترازو به نفع یکی از این دو تغییر کند در این صورت کشور پادشاهی ایران یا یکی از ایالات روسیه و یا مستعمره انگلستان خواهد شد.

روزی در یکی از گردش‌ها در دامنه‌های البرز با یکی از وزرای شاه در مورد آینده ایران صحبت می‌کردم. او به من گفت "در یادداشت‌های خود مرقوم بفرمائید که من امروز به شما عرض کردم که ایران، بیست سال دیگر کشور مستقلی خواهد بود". با توجه به پیشگویی آن شخص به زودی در ایران تغییراتی صورت خواهد گرفت. به عقیده او استقلال کشور به سلامتی و طول عمر شاه بستگی دارد و پس از فوت وی، کشور تجزیه خواهد شد. والی اصفهان شاهزاده ظل‌السلطان که مرد قوی و پرانرژی می‌باشد به یاری انگلیسی‌ها به دنبال قدرت مطلقه خواهد بود. از طرف دیگر مظفرالدین‌میرزا ولیعهد قانونی از روس‌ها کمک خواهد گرفت. پس از مبارزاتی کوتاه مدت، قرارداد دوستانه‌ای بین دو ابرقدرت نوشته شده و ایران به دو کشور تجزیه خواهد گشت. ایران شمالی تحت حمایت دولت روس در آمده و ولیعهد، پادشاه آن خواهد شد و ایران جنوبی به پادشاهی ظل‌السلطان تحت قیمومیت انگلیسی‌ها قرار خواهد گرفت. نیمه روسی کشور کاملاً شبیه بخارا شده و نیمه جنوبی مانند افغانستان خواهد شد.

باید اشاره کرد که نفوذ روس‌ها در حال حاضر خیلی بیشتر از انگلیسی‌هاست. ایرانیان برای روس‌ها احترام بیشتری قائلند. یکی از علل آن ایجاد امنیت نواحی خراسان و آسیای مرکزی توسط روس‌هاست. پس از اشغال فراسوی کاسپین و سرکوبی ترکمن‌ها، روس‌ها مرزی را برای جلوگیری از هجوم مجدد اشرار ایجاد کرده‌اند. مردم آن نواحی روس‌ها را ناجی خود می‌دانند زیرا روس‌ها هزاران نفر از اهالی منطقه را که اسیر و برده ترکمن‌ها بودند آزاد کرده و به روستاهای خود در خراسان برگردانده‌اند. آنگونه که من در مشهد شنیدم مردم خراسان با اشتیاق خاصی در انتظار والی روس و حکومت روس‌ها هستند تا از شر فشارهایی که از طرف حکام فعلی بر آنها وارد می‌شود، رهائی یابند. امید است کشور ثروتمند و پرحاصل ایران، از خواب غفلت بیدار گردد. روس‌ها نقشه‌های مهمی برای آینده آسیا دارند و گوشه ای از آن را با اشغال ترکستان و فراسوی کاسپین نشان داده‌اند. با توجه به اتفاقات منطقه باید قبول کرد که روس‌ها در سیاست‌های استعماری سرآمد سایر کشورها می‌باشند.